

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نویسنده خلیل الله عالم متخصص برق
۱۹۰۱۱۰



انرژی برق یکی از حیاتی ترین نیازهای انسان معاصر است

ضرورت انرژی برق اصلی ترین و ضروری ترین عامل زیربنایی در ایجاد ستراتیژی و توسعه صنایع در یک کشور میباشد

اگر سران یک کشور میخواهند که مردمان آن زندگی آبرومندانه داشته باشند و دست گدائی به سوی دیگران دراز نکنند باید در تولید انرژی خود را کم و بیش خود کفای بسازند یعنی اگر یک کشور بیست درصد از انرژی مورد نیاز خود را تولید کند به این معنی است که هشتاد درصد در تمامی عرصه ها نیاز به کمک دارد انرژی برق و متخصص به اندازه مهم است که هر مشکلی که در این عرصه ها باشد به تمامی عرصه های دیگر سرایت میکند چنانچه آن کشور صنعتی باشد یا هم زراعتی فرقی نمیکند البته باید عرض کنم گدا بودن یک چیز است سرمایه دار بودن چیزی دیگر، منظور من از این جمله آبرومندانه زندگی کردن است.

چرا یک قلم از کمک های جهانی را در این عرصه های یادشده به مصرف نمیرسانم؟ که هم مشکل انرژی برق و هم آب برای زراعت فراهم شود آنانی که سنگ وطن دوستی را هر روز به سینه میکوبند صحبت از استقلال میکنند باید ثابت کنند آیا داشتن آب و انرژی برق جزو استقلال نیست؟

برای مثال کشور جاپان اعلام میکند که ۶ میلیارد دلار برای مردم افغانستان کمک میکند اگر نیمی از این کمک در عرصه تولید انرژی برق در داخل کشور ما به مصرف برسد ما در مسیر درست همان استقلال قرار نمیگیریم؟

در غیر آن پول های یادشده برای ملیشه سازی به مصرف خواهد رسید مردم ما در عوض انرژی برق و آب گلوله دریافت خواهند کرد .

اما افغانستان درکجای جدول تولید انرژی برق جهان قرار دارد ، چند درصد انرژی برق مورد نیاز خود را تولید میکند ، چند سال بعد میتواند خود را دست کم به کوچکترین و فقیرترین همسایه خود یعنی تاجیکستان برساند چون تاجیکستان شباهت زیادی به افغانستان دارد . اصلاً برنامه تخصصی وجود دارد که از روی کاغذ به عمل درآید که هم برای متخصصین و هم اقتصاد دانان و هم برای مردم قابل قبول باشد آیا در افغانستان چنین توانایی و امکانات وجود دارد ؟ این سؤاها است که باید متخصصی یکایک آنها را بررسی کرده جوابی از مسؤولین امور بگیرد در غیر آن آنها را پاسخگو ساختن به کمک رسانه های ملی و بین المللی.

چون زندگی امروزی آمیخته با علم و دانش است دیگر نمیتوان بدون علم و دانش زندگی آبرومندانه داشت این علم و دانش امروزی بدون انرژی برق و متخصص ورزیده ناممکن است امروز نسبت به گذشته جهان فرق کرده و هیچ کاری نیست بدون انرژی برق ، علم و دانش انجام شود آنهم علم و دانش امروزی یعنی همان اکادمیک است. امروز جنگ عقل و دانش است کسی که از عقل و دانش خود استفاده درست کند برنده این جنگ نا خواسته است و این کار به این راحتی نیست که به ساختن چند مکتب حسابداری یا هم خیاطی در این جنگ زنده ماند یا خود رایا هم مردم را خوشحال کند چون در این جا صحبت از زیربناء است نه عبور از یک پُل چون نه در گذشته و نه حالا ما یک زیربنائی که قابل قبول باشد نداریم و آینده هم بستگی دارد به آنچه که ما امروز انجام میدهم باید یاد آور شوم که تجربه جهانی و محاسبه نشان میدهد انرژی خاصاً انرژی برق برای هر سه ملیون نفر در حدود یک هزارمگا وات انرژی برق ضرورت است البته باید عرض کنم که این بستگی به وضعیت اقلیمی کشورها دارد که کشور ما افغانستان از جمله پر مصرف ترین کشورهای جهان به حساب میاید چون هم گرمای زیاد دارد و هم سرمای زیاد دارد و از طرف دیگر فرهنگ مصرف انرژی برق که البته علت های گوناگون دارد از جمله ضایح شدن انرژی برق زیاد میباشد .

متأسفانه بارها از زبان مسؤولین کشور شنیده ایم که میگویند مایک کشوری زراعتی میخواهیم نه یک کشور صنعتی. این جمله هابرای فرار از واقعیت ها و شانه خالی کردن از مسؤولیت های شان است مگر میشود بدون برق کشاورزی کرد؟ مگر میشود بدون برق آب یاری کرد؟ مگر میشود بدون متخصص برق تولید کرد؟ اگر منظور از کشاورزی صنعتی است وقتی ما از کشاورزی صحبت میکنم، تکنولوژی یکی از اصلی ترین و ضروری ترین نیاز های آن میباشد. آیا ما زمین به انداز کافی برای کشت کار داریم که نه تنها برای نفوس کشور کافی بلکه برای صادرات هم داشت باشیم؟ جواب منفی است .

پس ما برق را وارد میکنیم، تکنولوژی وارد میکنیم، بدون شك متخصص را هم وارد میکنیم، تجهیزات نظامی ، طبیی وارد میکنیم چون ما حتی یک دانشگاه صنعتی نداریم. همچنانی که این را باید در مقابل شلغم و انار صادر کنیم آن هم کشوری که هر دو سال یکبار یا خشک سالی است یا هم آفات طبیعی میاید باز دست گدائی به سوی دیگران دراز نکنند آیا این راه حل است شما کشوری را سراغ ندارید که در جهان بدون کمک دولتی کشاورزی آن ادامه پیدا کند و کشاورزان آن نان خوردن خود را هم داشته باشند مگر این قابل قبول است کشوری مانند افغانستان یک دانشگاه صنعتی نداشته باشد همه چیزهای اساسی خود را وارد کند و مسؤولین هم صحبت از خودکفائی میکنند آیا این غیر مسؤولانه نیست ؟

نیروی انسانی با دانش و مهارت مانند ریشه درخت باید توسعه و پیشرفت داشته باشد. منابع انسانی زیربنای ثروت ملتها را تشکیل میدهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تولیداند. درحالی که انسانها عوامل فعالی هستند که سرمایه ها را متمرکزمی سازند از منابع طبیعی بهره برداری میکنند سازمانهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی را میسازند و توسعه ملی را جلو میبرند، بدیهی است آینده هر کشور و ملتی را نیروی انسانی آن یعنی دانشمندان متخصصان ، مهندسان، پزشکان و کارگران ماهر تعیین میکنند .

مواد خام هر کشور را نیروی انسانی آن تغییر داده و قابل استفاده می سازد. بدون شك پیشرفتهای و عقب ماندگی کشورها در کنار عوامل دیگر ریشه در سوابق کاری آنها در عرصه آموزش و پرورش دارد.

ملتی که از نعمت سواد و دانش محروم است. مسؤولین استثنائی فداکار و دارای توانائی های فوق العاده را میطلبد که ملت خود را از این مراحل عبور و آینده آنها روشن و قابل قبول سازد تا مردم آن گذشته تلخ خود را فراموش و احساس سربلندی و غرور کنند. این کار آسانی نیست در میان رقبای فراوان منطقه و دشمنی های زیادی که این ملت مظلوم دارد بنابراین به همین واسطه است که مسؤولین استثنائی فداکار و دارای توانائی های فوق العاده میطلبد .

وگرنه به تجربه ثابت شده دچار میشود یعنی گدائی. ملتی که دست به گدائی و نیاز به سوی ملت دیگری دراز میکند خواه ناخواه محکوم اراده و نفوذ او خواهد بود و سرنوشت او به دست همان ملت مقتدر و بی نیاز تعیین خواهد شد. این چیزی نیست که ملت مظلوم افغانستان خواسته باشد در غیر آن همان طوری که در گذشته و حال تکرار شده باز هم تکرار خواهد شد و سرنوشت ملت مظلوم به دست دیگران تعیین خواهد شد . و زخم خون چکان ماشفاً نخواهد یافت .

اگر در سابق کشاورزان با وسایل ابتدایی زمین را آباد میکردند امروز کشاورزی مکانیزه شده. تخصص یافتن در رشته های مختلف علوم روز مهارت پیدا کرده سخن کوتاه این که سر نخ تمام کارها امروز در دست علم و بشر است و لزوم و توسعه بیشتری پیدا میکند زیرا فریضه علم از هر جهت تابع احتیاج جامعه است .

در نتیجه ما برای این که يك جامعه و ملت سر بلند عزیز و مستقل داشته باشیم و دست گدائی به سوی بیگانگان دراز نکنیم و تمام نیازمندی ها و تکالیف فردی و اجتماعی خود را که بستگی به دانش و فرهنگ دارند با سرپنجه دانش و با دست خود رفع کرده و انجام دهیم بایستی برای فرا گرفتن تمام دانشهای مفید بشری بکوشیم و در تمامی رشته های علوم مورد نیاز افراد متخصص و ورزیده داشته باشیم. و آن را بومی بسازیم نه که وارد کنیم .

نخستین شرط حیات يك ملت، علم و دانش است. علم و دانش را نمیشود وارد کرد نمیشود گفت که حال باید صبر کرد که ما مشکلات دیگری داریم چون علم و دانش راه حل تمام مشکلات دنیای مادی ماست دانش بهترین نعمت و سرمایه های است که نصیب کشوری یا افراد میشود و هیچ سرمایه ای نمیتواند بهتر از آن باشد .